



دلخوری مهاجم جوان

عبدی از اینکه مدیران پرسپولیس و گل محمدی در ابتدای فصل فرصت لژیونر شدن را از او گرفتند، شاکی است

۱۸



زیر سقف دودی

همه چیز برای پسر همیشه آرام فوتبال ایران خوب به نظر می رسد و دیگر نگران جایگاهش در الاهلی و تیم ملی نیست

۱۸



پرنده کوچک، بزرگ شد

حالا فده والورده یک شاهین بزرگ خطرناک است و این را مدیون آنچولوتی خواهد بود

۱۹



028

روز مانده تا جام جهانی

پخش زنده



سری آ ایتالیا

کر مونزه

20:00

سمپدوریا



لیگ برتر انگلیس

وستهم

22:30

بورنموث



لا لیگا اسپانیا

سلتاویکو

22:30

ختافه

برنامه بازی



لیگ برتر ایران - هفته ۱۱

دوشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۱

تراکتور

15:00

ملوان

صنعت نفت

17:00

بیگان

پرسپولیس

17:00

مس کرمان

فولاد

19:00

گل گهر

پهلو

۱۴۰۱

هوادار

16:00

استقلال

مس رفسنجان

16:30

سپاهان

الومینیوم

17:30

نساجی

ذوب آهن

18:30

نفت م.س

همیشه برای فوتبال

دوشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۱ | ۲۷ ربیع الاول ۱۴۴۴ | سال سیام | شماره ۸۶۰



عکس: احمد احمدی

بخشیده شده

در مورد شجاع خلیل زاده؛ مغضوب قدیمی کارلوس کی روش که به خاطر کیفیت خوش عفو شد

یک استثنای بزرگ

نکته کلیدی در داستان شجاع خلیل زاده این است که او به نوعی به تنها مغضوب بخشوده شده کارلوس کی روش طی یک دهه حضور در فوتبال ایران تبدیل شده است. تقریباً به یاد نداریم که مری پر تگالی پر کسی خشم گرفته و سپس آن را فراموش کرده باشد. مشهورترین نمونه از این دست شاید مهدی رحمتی و هادی عقیلی باشند؛ ۲ بازیکنی که در مرحله انتخابی جام جهانی ۲۰۱۴ با هم از سوی کی روش کنار گذاشته شدند و دیگر هرگز به فهرست باز نگشتند. چه فشار افکار عمومی و چه نیاز فنی باعث نشد کارلوس از تصمیمش در مورد تنبیه این ۲ بازیکن صرف نظر کند. بعدتر چنین شرایطی در مورد نفراتی دیگر همچون محمدرضا خلعتبری، رضا قوچان نژاد و حتی علی کریمی هم تکرار شد. به این ترتیب انتظار نمی رفت کی روش به همین راحتی با شجاع کنار بیاید؛ مخصوصاً که مدافع پیشین پرسپولیس در دوران درآگان اسکوچیچ با خیال راحت وسط نمی شد ریسک علیه کی روش انجام داد. شجاع او را به زور گویی متهم کرد و مدعی شد دستاوردهای مشابه از سوی درآگان

روزهایی که بحث برکناری درآگان اسکوچیچ و جانسبینی کارلوس کی روش با او داغ شده بود، یک اسم بیشتر از هر نام دیگری به گوش می رسید؛ شجاع خلیل زاده، چه شوخی های پر تکراری که با این بازیکن نشد. صغیر و کبیر می گفتند و اطمینان می دادند که به محض ورود مری پر تگالی به ایران، شجاع نخستین بازیکنی خواهد بود که خط می خورد. این مسئله ریشه در مشکلات قدیمی خلیل زاده با کی روش داشت. اوایل حضور کارلوس در ایران، یعنی به طور مشخص پیش از جام جهانی ۲۰۱۴ شجاع خلیل زاده مصاحبه ای انتقادی علیه کی روش انجام داد و پس از آن به فهرست سیاه این مری تبعید شد. این شرایط حتی بعد از پیوستن شجاع به پرسپولیس و بر خورداری او از حمایت هواداران این تیم هم تغییر نکرد. کی روش بنا به عادتش هرگز توضیح نداد که دلیل چشم پوشی مستمر از خلیل زاده چیست، اما گروهی که عادت به تئوریزه کردن سیاست های او داشتند، بهانه های مختلفی مطرح می کردند. مثلاً می گفتند شجاع عصبی است و شاید با یک رفتار نامناسب در زمانی حساس، کار دست تیم بدهد. با این همه، بعد از بازگشت مری پر تگالی به فوتبال ایران اتفاقی دیگر رخ داد. خلیل زاده حالا به بازیکن مورد اعتماد او تبدیل شده و همین امروز هم در اردو است. پیش از این نیز زمانی که کی روش برای بررسی شرایط اردوی تیم ملی راهی قطر شده بود، میهمان باشگاه الاهلی شد و با شجاع و محمدحسین کنعانی زادگان عکس یادگاری انداخت. گویا او تصمیم گرفته بی که مواکست به انتخاب های اسکوچیچ در قلب خط دفاعی تیم ملی احترام بگذارد.

اسکوچیچ آقدها مورد توجه قرار نمی گیرد، چون این مری اهل جنجال نیست. با شناختی که از کی روش داریم، محال است او این حرف ها را نشنیده باشد، اما به نظر می رسد تصمیمی برای حذف خلیل زاده ندارد. از این نظر شجاع به یک استثنای بزرگ در کارنامه او تبدیل خواهد شد.

کیفیت و البته کمبود زمان

به نظر می رسد گشایش غیر منتظره در مورد شجاع ۲ دلیل مهم داشته باشد؛ نخست کیفیت فنی این بازیکن است که بدون تعارف باید گفت از بهترین و آماده ترین مدافعان فعلی فوتبال ایران به شمار می آید و در تیم ملی هم امتحانش را به خوبی پس داده، دلیل دوم هم به کمبود زمان مربوط می شود. به هر حال در این فرصت کوتاه مخصوصاً در پوست حیاتی دفاع وسط نمی شد ریسک زوج سازی دوباره را انجام داد. حالا ببینیم آخر و عاقبت این داستان چه خواهد شد.

سوزه روز

سالار نیمکتها!

آنچه در انگلیس برای رونالدو اتفاق افتاده، تکرار این حقیقت آشکار است که در زمین فوتبال، اسمها همیشه کوچک تر از تیمها هستند

«من مریسی تیم هستم و چارچوبها و استانداردها را تعیین می کنم»؛ واکنش قاطع اریک تن هاخ به ماجرای امتناع کریستیانو رونالدو از ورود به زمین در دقیقه پایانی بازی با ناتهام، چکیده ای از رابطه در ست و اصولی بازیکن امری را در یکی از بهترین لیگ های دنیا به نمایش می گذارد. اگر زاویه دوربین را کمی عقب ببریم و به تصویر کلی تر این ماجرا نگاه کنیم، متوجه نکات جالبی خواهیم شد. از نمای دورتر، کریستیانو رونالدو احتمالاً بزرگ ترین بازیکنی است که در تمام تاریخ پیراهن باشگاه یونایتد را بر تن داشته است. او یکی از اسطوره های شیاطین سرخ به شمار می رود و یکی از بهترین های تاریخ فوتبال است. در سمت مقابل او، اریک تن هاخ ایستاده است. که تازه نخستین فصل حضور در یونایتد را پشت سر می گذارد و نتایج چندان خوبی هم به دست نیارده است. در نمای نزدیک تر اما، تن هاخ «سرمربی» تیم است و رونالدو «بازیکن» آن. هر برچسب دیگری هم در سایه همین دو برچسب قرار می گیرد. این مرد هلندی است که استانداردها و قوانین را در یونایتد تعیین می کند. در دل همین چارچوب، رونالدو دیگر تفاوتی با یک ستاره جوان ندارد و قوانین، هیچ استثنایی برای او قائل نمی شود. در حقیقت، رونالدو در مواجهه با استانداردها از دیگران «برابرتر» نیست. او از فهرست بازی با چلسی کنار گذاشته شد و باشگاه یک جریمه سنگین مالی برایش در نظر گرفت. حتی اگر جریمه کردن این بازیکن به گفته خودش شبیه به صلیب کشیدن بود، باشگاه از انجام این کار طفره نمی رفت!

در فوتبال ما همیشه دستمزدها یا سطح بازی ها با لیگ های اروپایی مقایسه می شود اما وقتی به ماجراها و استانداردهای اخلاقی می رسیم، مقایسه را از یاد می بریم. چرا لیگ انگلیس به کیفیت و نظم آموزش رسیده است؟ تنها به خاطر پول و استاد یوم های درجه یک؟ یا به خاطر اینکه در این لیگ همه چیز سر جای خودش قرار گرفته و هیچ کس حق ندارد پا را از گلیمش درازتر کند؟ احترامی که این فوتبال به یک مری می گذارد، مثال زدنی است. جالب اینکه در این فوتبال، حتی یک حامی هم برای رفتار کریستیانو پیدا نمی شود. این اواخر، همه او را به بساد انتقاد گرفته اند و جمله های شبیه پیترو کراچ را برایش به کار برده اند: «اصلاً مهم نیست چه کسی هستی، باید از قوانین تیم پیروی کنی!»

در فوتبال ایران اما چقدر برای مسائلی از این دست ارزش و اهمیت قائل هستیم؟ هنوز فراموش نکرده ایم چطور چند بازیکن در تیم ملی، به راحتی پوست موز زیر پای سرمربی سابق گذاشتند تا به هر قیمتی مری دلخواه شان را به اردوی تیم برسانند. هنوز فراموش نکرده ایم که ستاره های باتجربه تیم ملی، چطور برای سرنگونی کادر فنی قبلی دست به کار شدند و استوری هماهنگ گذاشتند؛ درست همانطور که یک ستاره در تیویتر، به انتقاد مستقیم از سرمربی تیم پرداخته بود. مشکل فقط بروز دادن این رفتارها نیست. آنها فوتبالیست هستند و ممکن است تحت تأثیر هیجانات لحظه ای، تصمیم های اشتباه بگیرند. مشکل این است که در فوتبال ایران این قبیل رفتارها، طرفدار دارد و بازیکنان در هر شرایطی مورد حمایت قرار می گیرند. اینجا تقریباً همیشه حق به «بازیکن» داده می شود. حتی بازیکنی که توی گوش مری زده باشد! حتی بازیکنی که در یک لایو اینستاگرامی، بدترین عبارت های ممکن را برای مری به کار برده باشد. حتی بازیکنی که بعد از نخستین روی نیمکت، خشم و عصبانیتش را علیه مری به کار برده باشد. در فوتبال ایران، جایگاه اقتدارآمیزی برای مری ها در نظر گرفته نمی شود. تضعیف آشکار این بنیان، به تضعیف فوتبال در همه ابعاد ختم خواهد شد.

آنچه در انگلیس برای رونالدو اتفاق افتاده، تکرار این حقیقت آشکار است که در زمین فوتبال، اسمها همیشه کوچک تر از تیمها هستند. شما می توانید هر اسمی با هر دستاوردی در گذشته داشته باشید اما اگر از خطوط قرمز عبور کنید، به سختی تنبیه خواهید شد. شما می توانید یک فوق ستاره باشید اما همین که تیم را زیر سؤال ببرید و از مری سرپیچی کنید، کوچک و کوچک تر خواهید شد. این همان روحیه ای است که باید به فوتبال ایران هم چارچوبی است که باید در لیگ برتر ایران هم ساخته شود. مدارای همیشگی با سازهای مخالف، جایگاه مربیان در فوتبال ایران را متزلزل کرده است. مربیانی که شاید حتی خودشان هم نمی دانند چه قدرتی دارند. اگر آنها نخستین و آخرین تصمیم گیرنده در تیم نباشند، هرج و مرج مطلق به راه خواهد افتاد؛ ماجراجویی که در تیم ملی ایران رقم خورد و تصویر بسیار زشتی از این تیم برای جامعه ساخت.